

# اثری نویافته در ذکر خاندان و فرزندان شیخ احمد جام

امسعود جعفری جزی |

همچنان که در عرصه سیاست خاندان‌ها و سلسله‌های گوناگون در طول صدها سال گذشته در گوشه و کنار ایران حضور داشته‌اند، در عرصه سیادت معنوی و سروری آیینی و رفقای نیز خاندان‌های گوناگونی در نقاط مختلف بوده‌اند. درباره برخی از این خاندان‌ها شجره‌نامه‌ها و نسب‌نامه‌هایی نیز در دست است. این آثار و مدارک از جهات گوناگون اهمیت دارند و مطالعه و بررسی آن‌ها می‌تواند جنبه‌هایی ناشناخته از حیات معنوی، اقتصادی، اجتماعی، عقیدتی و مسائل مرتبط با آن‌ها را برای محققان و اهل فن روشن کند. تاریخ‌نگاری رسمی عمدتاً در مشغول سیر تحول تاریخ سیاسی خاندان‌های حاکم و شاهان و وزیران بوده است و کمتر به خاندان‌های دیگری عنایت داشته است که گاه در طول سده‌ها دوام یافته‌اند. درست است که مادر تاریخ بعد از اسلام ایران اشرافیتی هم‌تراز با اشراف و فئودال‌های اروپایی نداشته‌ایم ولی خاندان‌های دهقانی، دیوانی، نظامی و... هم بوده‌اند که در کسوران حوادث روزگار تداوم یافته‌اند. در کنار این خاندان‌های اشرافی می‌توان از نوعی «اشرافیت معنوی» هم یاد کرد که نمودهای بارز آن را در خاندان‌های سادات و مشایخ صوفیه می‌توان دید. این اشرافیت معنوی البته از امکانات و نعمت‌های مادی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی هم به شیوه‌های مختلف بهره‌مند بوده است.

در میان مشایخ تصوف و سلسله‌های صوفیانه سنت مقامات نویسی و ذکر سند خرقة و مسائل از این دست موجب شده است که اطلاعات بسیار از زحمندی در باب برخی از این سلسله‌ها و خاندان‌ها و چگونگی پراکندگی تاریخی و جغرافیایی آنان و پیوندشان با دیگران به دست ما برسد. یکی از مهم‌ترین خاندان‌ها و سلسله‌های صوفیانه که تاریخی تقریباً هزار ساله دارد و از قرن پنجم تا روزگار ما تداوم یافته، خاندان صوفیانه شیخ احمد جام ژنده پیل است. اطلاعات ما از خود شیخ احمد جام به واسطه آثار خودش و مقامات نویسان بلافاصله او نسبتاً قابل توجه است این ویژگی در باب برخی از دیگر مشایخ تصوف همچون ابوسعید ابوالخیر هم صدق می‌کند، منتها تفاوت در این جاست که سلسله نسب فرزندان و جانشینان بسیاری از مشایخ تصوف پس از چند نسل منقطع می‌شود یا به دلایل مختلف گزارشی از آن به دست ما نرسیده است.

سیطره معنوی شیخ احمد جام (۴۴۱-۵۳۶ ه. ق) که خودش و مریدانش نسب او را به یکی از صحابه پیامبر

می‌رسانند، در طول هزار سال گذشته - با فراز و فرودهایی - همواره برقرار بوده است و فرزندان و نوادگان و میراث‌داران او به تدریج در جغرافیایی بسیار وسیع که امروزه در چند کشور مستقل گسترده شده، پراکنده‌اند. علاوه بر عوامل اعتقادی، در آمیختن میراث عرفانی شیخ جام با شعر و ادب فارسی در سرزمین ادب پرور خراسان و حتی عوامل زیست‌محیطی و جغرافیایی همچون وجود بیابان و کویر که مانع تهاجم بی‌درپی اقوام بیگانه می‌شده و نوع مالکیت زمین‌های زراعی و بسیاری مسائل دیگر دست‌به‌دست هم داده‌اند تا این خاندان هزار ساله تا روزگار ما دوام یابد. علاوه بر آثار خود شیخ جام و مریدانش، بعدها درباره فرزندان و نوادگان او هم آثاری تألیف شده است. برخی از این آثار همچون کتاب مناقب الاؤ لادبه دست ما نرسیده و برخی دیگر همچون روضه‌الریاحین و حدیقه الحقیقه از گزند حوادث روزگار در امان مانده‌اند و سرانجام منتشر شده‌اند.

یکی از کسانی که دست به تألیف آثاری در باب فرزندان و نوادگان شیخ جام زده است درویش علی بوزجانی است. بوزجانی در سال ۹۲۹ ه. ق کتاب روضه‌الریاحین را تألیف کرده است.<sup>۱</sup> حدود صدسال پس از این تاریخ، شخصی به نام محمد حکیم جامی تصمیم می‌گیرد دنباله کار بوزجانی را تا زمان خودش، یعنی اوایل قرن یازدهم، ادامه دهد. از آنجا که بوزجانی، به جز روضه‌الریاحین، کتاب دیگری نیز به نام بحر الانساب داشته و سلسله فرزندان و نوادگان شیخ جام را تا روزگار خودش، یعنی حدود سال ۹۳۰ ه. ق، در آن آورده بوده، محمد حکیم جامی نام و یاد نسل‌های بعدی خاندان را از حدود ۹۳۰ تا اوایل قرن یازدهم در کتاب دیگری به همین نام تدوین کرده است. از کتاب بحر الانساب بوزجانی که محمد حکیم جامی به درستی آن را بحر الانساب قدیم نامیده امروزه نسخه‌ای در دست نیست، اما از کتاب محمد حکیم جامی که در واقع بحر الانساب جدید به شمار می‌رود نسخه‌ای منحصر به فرد باقی مانده است که در کتابخانه مجلس شورای نگهداری می‌شود.

اطلاع نگارنده از این نسخه به گونه‌ای اتفاقی حاصل شد. در تابستان سال ۱۳۹۳ استاد فقید پاتریشیا کرون که آن موقع در مؤسسه تحقیقات پیشرفته پربنستون در باب تاریخ ایران و اسلام تحقیق می‌کرد از نگارنده خواست که با مراجعه به نسخه‌های خطی تاریخ بخارا ضبط‌های متفاوت چندواژه خاص تاریخی و جغرافیایی

را برای ایشان ببینم. در ضمن جست‌وجو در فهرست‌ها برای یافتن نسخه‌های «تاریخ بخارا» با این کتاب که در اصل «تاریخ بحر الانساب» نام دارد و در فهرست‌ها بلافاصله قبل از تاریخ بخارا آمده بر خورد کرد. نگارنده در آغاز از ارزش این متن که عمدتاً سیاهه‌ای از اسم‌های مختلف است تصور روشنی نداشت تا این که تصویری از نسخه را به استاد شفیعی کدکنی نشان داد. ایشان پس از تویق و مطالعه نسخه از اهمیت آن سخن گفت و علی‌رغم عذرهایی که نگارنده برای نپرداختن به آن آورد مرا مجاب کرد که مقدمات کار تصحیح و آماده‌سازی کتاب را فراهم آورم. کار تصحیح و آماده‌سازی کتاب، به دلایل و علل گوناگون، از پاییز ۱۳۹۳ تا کنون به طول انجامید و هم‌اکنون متن نهایی کتاب با فهارس و توضیحات لازم در حال انتشار است.

شیوه کار مؤلف بدین گونه است که احفاد و اولاد شیخ جام را در بازه زمانی حدود یکصد ساله (از اوایل قرن دهم تا اوایل قرن یازدهم) با ذکر نام پدر و مادرشان و به دقت تمام بر می‌شمارد و از شغل و کار و محل اقامت و مرگشان خبر می‌دهد و سلسله نسب هر یک را به روشنی ترسیم می‌کند.

گذشته از ارزش تاریخی کتاب که محققان می‌توانند از دیدگاه‌های گوناگون اجتماعی، مردم‌شناسی، زیست‌نامه‌ای و... در باب آن مذاقه کنند، اصولاً میراث‌داران تباری و معنوی شیخ جام هنوز در ایران، افغانستان، پاکستان، آسیای میانه و مناطق دیگر حضور دارند. در کمتر فرهنگ و تاریخی می‌توان خاندانی هزارساله را نسل به نسل و گاه با نام و عنوان شناسایی کرد و فراز و فرودهای آن را پیش چشم داشت.

از جهت دیگر، نباید از یاد ببریم که تاریخ فرهنگی و تمدنی ایران را نمی‌توان و نباید به برخی گرایش‌های خاص اعتقادی - هر چند عظیم و ارزشمند - فرو کاست. خوشبختانه گذشته فرهنگی ایران - و حال آن نیز - آن قدر متنوع و متکثر و چندلایه است که هواداران و پیروان هر آیین و گرایشی می‌توانند خود را در پروراندن آن سهیم بدانند و با آن همدلی و همراهی داشته باشند و با مساعی خود به تداوم این تکثر و تنوع کمک کنند.

۱. درویش علی بوزجانی، روضه‌الریاحین، به اهتمام حشمت مؤید، (تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب)، ص ۷.